

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

شهره شهر

پریروی که دام کاکلش بر شانه میریزد
مرا گرم نگاه مست او میبند و ساقی
پس از این میگزیم گوشه دامن صحرا را
نصیب آشنایان از لبش جز درد حسرت نیست
چنان در شهر، شهرت یافتم در عشقبازیها
غم هجران تو ملک دلم را سخت ویران کرد
جنونم رفته تا جائی که دور از حلقه طفلان
خمار من به دور چشم مخمورش خواهد رفت
ز خال کنج لب هر دم به راهم دانه میریزد
به هر مژگان زدن، پیمانه بر پیمانه میریزد
که بی تو غم سر غم از فضای خانه میریزد
چو قند الفتش در کام هر بیگانه میریزد
که از حرفم جنون میبارد و افسانه میریزد
بلای آسمانی هم درین ویرانه میریزد
کنون سنگ ملامت بر سرم دیوانه میریزد
«به این تمکین که ساقی باده در پیمانه میریزد»

«اسیر» آهنگ آزادی میسر نیست میبینم

که شوخی دام میماند، نگاری دانه میریزد

(م. نسیم «اسیر» - فرانکفورت، جنوری ۲۰۰۶)